

فصلنامه علمی سراج منیر، سال یازدهم، شماره ۳۸، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۴۳-۱۶۶

مقاله پژوهشی

گونه‌شناسی روایات امام صادق علیه‌السلام با تکیه بر مسند ایشان

زهرا صدیقین *

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

محسن صمدانیان

استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

محمد رضا حاجی اسماعیلی

استاد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰)

چکیده

تأمل در منابع روایی شیعه، حاکی از آن است که روایات منقول از امام صادق (ع) از دیگر امامان به مراتب بیشتر است. بررسی دلایل کثرت این روایات و گونه‌شناسی آن، بن‌مایه این پژوهش است. بر این اساس ابتدا مقتضیات زمان امام و خط مشی ایشان در موقعیت‌های مختلف بررسی شده و سپس احادیث وارده از امام و آمار و نمودار آن با تکیه بر کتاب «مسند امام صادق» از عزیزالله عطاردی، ارائه شده است؛ تا رابطه میان شمار احادیث امام در هر زمینه و مقتضیات زمان ایشان، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. پژوهش‌گران با توجه به مجموع روایات این امام که در «مسند امام صادق (ع)» جمع‌آوری شده؛ باورمند گردیده‌اند که بیشترین بسامد روایات این امام به ترتیب در سه حوزه «فقه»، «اعتقادات» و «اخلاق» نمایان‌گر است و میان فراوانی روایات امام در هر زمینه و مقتضیات زمان ایشان رابطه‌ای دوسویه برقرار است؛ که با تأمل در موضوعات و فحوای روایات می‌توان از مقتضیات حاکم بر فرهنگ زمان این امام آگاه گردید.

واژگان کلیدی: امام صادق (ع)، گونه‌شناسی روایات، مقتضیات زمان امام، نمودار روایات، آمار روایات.

* E-mail: z.sedighin1@gmail.com (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

امام جعفر بن محمد الصادق (ع) (۸۳-۱۴۸ه.ق)، امام ششم شیعیان است. کثرت فعالیت‌های ایشان در زمینه باروری مذهب شیعه و به ثمر نشاندن آن مشهور است. همچنین امام صادق(ع)، شخصیتی محوری در میان ائمه دوازده‌گانه دارد؛ که به عنوان تدوین‌گر تعالیم امامیه و بنیان‌گذار مذهب جعفری شناخته شده‌است. در میان امامان شیعه، شمار فراوان احادیث امام صادق(ع) چشم‌گیر بوده و مورد توجه قرار گرفته‌است؛ چراکه آن حضرت در حوزه‌های مختلف معارف دینی، مشتمل بر عقاید، اخلاق و فقه دارای آموزه‌های سامان‌یافته و گسترده‌ای است. از آنجا که سیره و روش استنباطی ایشان در مکتب شیعه، جایگاه بنیادی و در میان اهل سنت به عنوان یکی از شیوخ مهم نقل حدیث می‌باشد؛ بخش عمده‌ای از مواضع شیعیان در مواجهه با مذاهب و وجوه تمایز شیعه نسبت به مذاهب دیگر، بر بنیاد آموزه‌های آن حضرت شکل گرفته‌است. لذا تحلیل و بررسی احادیث ایشان، راه را برای فهم و درک بهتر از سخنان این اسوه دینی هموارتر کرده و حکمت روش و گرایش ایشان در نقل حدیث آشکار می‌گردد؛ چرا که ما مدعی هستیم که احادیث امامان را به عنوان منبع مهمی برای استخراج گزاره‌های دینی پذیرفته‌ایم؛ پس هر چه این احادیث بیشتر بررسی و تحلیل شود، مطالب جدیدی کشف گشته و حکمت سخنان ایشان آشکار می‌گردد.

در پژوهش حاضر، سعی بر آن است تا نمایی کلی از فضای فکری و اجتماعی زمان امام صادق(ع) ترسیم شده و جریان‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن زمان و موضع امام در برابر هر کدام بررسی شود. پس از آن کتاب مسند امام صادق(ع) از عطاردی که در ۲۲ جلد تدوین گردیده به عنوان منبع پژوهش انتخاب و سپس احادیث امام در حوزه‌های گوناگون، تقسیم‌بندی و آمار هر کدام به صورت نموداری نشان داده می‌شود. کمیت احادیث امام در هر زمینه بررسی شده و در نهایت، رابطه میان شمار احادیث امام در زمینه‌های گوناگون و مقتضیات حاکم بر زمان ایشان، نشان داده می‌شود.

در این مسیر هر چند منابع گسترده و متعددی در زمینه اطلاعات مورد نیاز پژوهش در دسترس است؛ لیکن کثرت احادیث امام و سختی بررسی جامع این احادیث، کار این پژوهش را دشوار کرده است.

یادآوری گردد درباره شخصیت امام صادق(ع) و آثار ایشان با توجه به اهمیت ایشان در مذهب شیعه تحقیقات فراوانی صورت گرفته؛ که در میان آثار اخیر، مقاله‌ای با عنوان «گونه‌شناسی روایات تفسیری امام صادق(ع)» از مؤدب، مسانید عطاردی را منبع خود قرار داده و روایات تفسیری امام را ذیل طبقه‌بندی مورد نظر خود آورده است.

۲. مقتضیات زمان

زمان در حال گذر است و در هر قطعه‌ای با توجه به رخدادها و ویژگی‌های خاص خود، یک اقتضائی دارد، به عبارت دیگر زمان تقاضاهای مختلف دارد؛ به این معنا که احتیاجات واقعی در طول زمان تغییر کرده و هر احتیاجی که بشر در هر زمان دارد یک نوع تقاضا ایجاد می‌کند. دوران امامان نیز از ویژگی‌های خاص و به تبع آن مقتضیات خاص خود، برخوردار بوده است.

۲-۱. مقتضیات زمان امام جعفر صادق(ع) (۸۳-۱۴۸)

امام صادق(ع) در سال ۸۳ (ه.ق) در مدینه چشم به جهان گشود. پدرش امام محمد باقر(ع) و مادرش امّ فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی‌بکر است. کنیه آن حضرت «ابوعبدالله» که از سایر کنیه‌های ایشان مشهورتر و به نام فرزند دوم ایشان می‌باشد. مشهورترین لقب وی «صادق» به معنای راستگو است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۱۷۲).

حضرت تا سن ۱۲ سالگی جد گرامی اش امام سجاد(ع) را درک کرده و از محضر ایشان بهره فراوان برده است. پس از رحلت امام چهارم مدت ۱۹ سال، در خدمت پدرشان، امام محمد باقر(ع) بودند. در مجموع، امام ۳۱ سال از عمر شریفشان را در کنار دو امام دیگر گذرانده و از آنان کسب فیض نموده‌اند. پس از درگذشت پدرشان مدت

۳۴ سال، دوران امامت حضرت به طول انجامید. در این مدت، امام در مدینه زندگی می‌کردند؛ و تنها به قصد حج یا الزامات سیاسی، سفرهایی به مکه و عراق داشته‌اند. بنا به نقلی ایشان مدتی هم در عراق سکونت داشته‌اند (ر.ک؛ شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱، ۱۹۷). سرانجام در سال (۱۴۸ه.ق) و در سن ۶۵ سالگی توسط منصور دوانیقی مسموم و به شهادت رسیدند و در کنار مرقد پدر و جدّ بزرگوارشان، قبرستان بقیع به خاک سپرده شدند (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ الف: ۲، ۱۸۰).

عصر امام صادق (ع) را باید عصر جنبش فکری و فرهنگی دانست؛ زیرا در قرن اوّل هجری به دلایل مختلفی از جمله کنار بودن امامان از صحنه اجتماع، انشعابات مذهبی فراوان، منع کتابت حدیث و فشار اجتماعی از حکومت، میان امامان و مردم فاصله افتاده و مسلمانان از اسلام ناب محمدی فاصله گرفته بودند. در آن زمان به تدریج فعالیت‌های علمی گسترده‌ای در جامعه اسلامی پدید آمده بود و علوم مختلفی اعم از علوم اسلامی مانند: فرائد، تفسیر، حدیث، فقه، کلام و سایر علوم مانند: نجوم، طب و ریاضیات، رواج یافته بود و به تبع آن پرسش‌های فراوانی در میان مسلمانان مطرح می‌شد. از این رو مسئولیت امام بسیار سنگین بود؛ زیرا وی می‌بایست موضع دین را در میان توده عقاید و انحرافات مشخص می‌کرد.

کثرت فعالیت‌های امام به عوامل خاصی مرتبط بود؛ از جمله آن که امام صادق (ع) نسبت به سایر امامان از عمر طولانی‌تری برخوردار بوده و زمان بیشتری را با مردم سپری کرده‌است. جابجایی حکومت از امویان به عباسیان را نیز می‌توان از جمله عواملی به شمار آورد که فرصت بیشتری برای امام فراهم آورد و موجب شد تا ایشان محلّ رجوع افراد گوناگون قرار گرفته و نویسندگان بسیاری به ثبت سخنان ایشان پردازند. امام در مدینه جلسات پررونقی داشته و شاگردانی از خواص امامیه تا قشرهای گوناگون مذهبی و عقیدتی در جلسات ایشان حضور داشتند. بسیاری از روایان حدیث از شیعه و حتی رجال اهل سنت، مانند: یزید بن عبدالله بن هاد و یحیی بن سعید انصاری و ابوحنیفه و سفیان ثوری از امام روایت کرده‌اند (ر.ک؛ ذهبی، ۱۴۰۶: ۶، ۲۵۷).

امام نسبت به دانشی که از دهان این و آن گرفته شود نگرشی منفی داشته؛ زیرا در آن زمان، پس از یک دوره طولانی منع کتابت حدیث، نقل شفاهی آن بسیار رواج یافته و کثرت نقل و شمار فراوان راوی، امتیاز ویژه‌ای محسوب می‌شد. لذا از دید امام علم با کثرت مجالست حاصل نمی‌شود؛ بلکه با فکر و تحلیل و در سایه هدایت الهی حاصل می‌شود. امام همواره علم خود را میراثی الهی می‌دانست؛ که از طریق رسول خدا و پدرانش به او رسیده و شخصیت علمی او بسیار بالاتر از آن است که با برخی بزرگان و فقهای زمان خویش مقایسه گردد (ر.ک؛ شهید ثانی، ۱۳۶۸: ۱۴۹).

۲-۱-۱. اوضاع سیاسی_اجتماعی زمان امام صادق(ع)

دوران امامت امام صادق(ع)، اغلب با فشارهای سیاسی خلفا، همراه بود و تنها در دهه سوم قرن دوم هجری، آزادی نسبی و اندکی فراهم آمد؛ که حتی در همان دهه نیز فعالیت‌های آن حضرت و شیعیان، تحت کنترل بود. اما پیش از آن در دوران امویان و پس از آن بوسیله منصور عباسی، شدیدترین فشارها علیه شیعیان اعمال می‌شد (ر.ک؛ جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۵۹).

خلفای زمان امام، به دو دسته بنی‌امیه و بنی‌عباس تقسیم می‌شوند:

در سلسله بنی‌امیه که پس از صلح امام حسن(ع) با خلافت معاویه آغاز گردید، ۵ خلیفه با این امام هم‌زمان بودند. هشام بن عبد الملک (۱۲۵-۱۰۵ ه.ق) که در ردیف سیاست‌مداران بنی‌امیه قرار داشت. او به خشونت و تندخویی، شهرت داشت. نسبت به علویان کینه فراوان و همواره در پی انتقام جویی از آنان بود و به شهادت امام محمد باقر(ع) اقدام کرده بود. پس از وی ولید بن یزید بن عبد الملک (۱۲۵-۱۲۶ ه.ق) که فردی فاسق، عیاش و هرزه بود؛ در بی‌حرمتی به خاندان رسول خدا بسیار گستاخی به خرج داد و حرمت اسلام را شکست. سپس یزید بن ولید بن عبد الملک (۱۲۶ ه.ق) که دوازدهمین خلیفه بن‌امیه به شمار می‌آید. دوران حکومت ۵ ماهه او، دورانی پر از آشوب و فتنه همگانی بود

تا جایی که کثرت آشوب اجازه نمی‌داد او کاری انجام دهد (ر.ک؛ حیدر اسد، ۱۴۲۲: ۱، ۱۳۸).

ابراهیم بن ولید بن عبدالملک ملقب به «مخلوع» سیزدهمین خلیفه اموی بود که خلافت او با نابسامانی و آغاز فروپاشی امویان همراه بود. آخرین خلیفه اموی مروان بن محمد معروف به مروان حمار (۱۳۲-۱۲۶ ه.ق) است. او در حکمرانی از عمل و نظری درست برخوردار بود و عامل سقوط نبود. عوامل زوال حکومت اموی از زمان‌های دور فراهم شده بود. او تنها توانست با آنها دست و پنجه نرم کند و کمی سقوط را به تأخیر بیندازد (ر.ک؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳، ۲۲۰).

از میان خلفای عباسی دو خلیفه با امام صادق (ع) هم‌زمان بودند. ابوالعباس عبدالله بن محمد مشهور به سفاح (۱۳۲-۱۳۶ ه.ق) که اولین خلیفه عباسیان بود و بیشترین کوشش خود را متوجه مبارزه با امویان کرد؛ از همین رو کمتر به مقابله با علویان و بنی‌الحسن پرداخت؛ هر چند که از امام نیز غافل نبود (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۲، ۲۹۵). ابوجعفر عبدالله مشهور به منصور دوانیقی (۱۳۶-۱۵۸ ه.ق) که آخرین خلیفه عباسی معاصر با امام بود. خلافت او ۲۲ سال به طول انجامید و ۱۲ سال از خلافت او هم‌زمان با امام صادق (ع) بود. گزارش‌های بسیاری در مورد برخوردهای منصور با امام وجود دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت بیشترین گزارش در میان خلفای اموی و عباسی درباره منصور است. منصور در عراق زندگی می‌کرد؛ ولی به بهانه‌های مختلف امام را احضار کرده و ایشان را آزار می‌داد (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴، ۲۳۸).

فعالیت فراوان امام در حوزه علمی و فرهنگی در ظاهر این تصویر را ایجاد می‌کند که امام با سیاست میانه خوبی نداشت ولی این تمام قضیه نبود و فعالیت‌های امام، تنها در حوزه فرهنگی خلاصه نمی‌شد (ر.ک؛ پیشوایی، ۱۳۸۰: ۳۷۷). یکی از بزرگ‌ترین دلایل فعالیت‌های سیاسی امام، تهدیدهای مکرر دستگاه خلافت است (ر.ک؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۰۱). امام در موقعیت‌های گوناگون مشروعیت خلافت را نفی کرده و ریشه گرفتاری‌های مسلمانان را تغییر مسیر ولایت می‌دانستند. از جمله فعالیت‌های سیاسی امام

این بود که ایشان نمایندگانی به مناطق مختلف برای دعوت به ولایت خود می‌فرستاد (ر.ک؛ پیشوایی، ۱۳۸۰: ۳۷۸). امام همچنین شیعیان را از همکاری با دستگاه خلافت، در جهت اهدافشان منع می‌کرد و آن‌ها را از مراجعه به قضات حکومت باز می‌داشت. در روایتی امام مراجعه به طاغوت را هنگام مشکل، منع کرده و داوری محدثان و فقهای خبره را پیشنهاد می‌کنند (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۶۷). همچنین ایشان گاهی بنا به مصلحت، افرادی را میان کارگزاران حکومت وارد می‌کردند و از آنها مطالبه حقوق شیعیان را خواستار می‌شدند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲، ۳۶۰).

۲-۱-۲. جریان‌های فکری زمان امام صادق (ع)

ظهور جریان‌های گوناگون اعتقادی از ویژگی‌های بارز دوران امام صادق (ع) است. این شکل‌گیری را باید مبتنی بر ورود برخی از اهل کتاب و سایر ادیان به اسلام و ایمان‌نویای آنان دانست که اسلام آورده ولی هنوز برخی از عقاید خود را حفظ کرده و قصد وارد کردن آنها را به جامعه اسلامی داشتند. افزون بر آن برخی از پیروان سایر ادیان نیز به ظاهر اسلام آورده و به نشر اسرائیلیات می‌پرداختند.

از عوامل دیگر پیدایش جریان‌های عقیدتی، رشد و ترجمه آثار فلسفی کهن یونانی بود؛ که موجب پیدایش بحث‌های پیچیده‌ای از جمله جبر و اختیار، قضا و قدر و غیره در اندیشه‌های اسلامی می‌شد. برخی از بزرگان اهل سنت، معتقد بودند که نباید وارد چنین بحث‌هایی شد و آنچه در نصوص دینی آمده را باید تعبدی پذیرفت. در مقابل، گروهی سعی می‌کردند این مسائل را به طور دقیق پاسخ دهند و یکسان نبودن مبانی فکری آن‌ها موجب پیدایش فرقه‌های مختلف فکری شد. در این میان امام صادق (ع) سعی در تصحیح و مقابله با آن‌ها می‌کردند.

از سویی حاکمان بنی عباس می‌کوشیدند تا مردم را از امامان دور نگه داشته؛ برای رسیدن به این هدف گاهی چهره برخی افراد و یا عقاید را بسیار پررنگ می‌کردند. در این میان با وجود آمدن یک جریان فکری، گروهی از مردم به پاسخ‌گویی در مقابل آن

برخاسته و مباحث به افراط کشیده می‌شد و این خود زمینه‌ساز شکل‌گیری فرقه‌های نوظهور می‌گردید.

در این میان جبر و اختیار از مهم‌ترین مسائل مطرح در عصر امام صادق (ع) بود. قدریه معتقد بودند افعال آدمی مبتنی بر اراده مستقل او بوده و از اراده خداوند جدا است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵، ۹). ایشان افعال انسان را آفریده خود او دانسته و معتقد به استقلال افراد در خلق اعمالشان بودند (ر.ک؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱، ۷۲). اما امام از آیات قرآن برای رد باورهای قدریه استفاده کرده و در پاسخ به شخصی با این اعتقادات فرمودند: سوره حمد را بخوان و در «ایاک نعبد و ایاک نستعین» دقت کن؛ که اگر تدبیر همه امور به دست توست چرا از او یاری می‌طلبی؟ (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵، ۵۵).

صوفیه از جریان‌های دیگری بود که در زمان امامت ایشان میان مسلمانان شکل گرفت. رهبانیت، تحقیر دنیا، گوشه‌نشینی و دوری از لذات، از ویژگی‌های این گروه بود. اما از دیدگاه امام دو نوع رهبانیت وجود دارد؛ که نوعی از آن مطلوب، و نوعی نکوهیده است. امام معتقد بودند زهد تنها در به زحمت انداختن جسم و دوری از خوشی نیست؛ بلکه دوری از گناه و پلیدی است و پیروی از دستورات خدا با استفاده از حلال و دوری از حرام ممکن می‌شود (ر.ک؛ ۱۳۷۲: ۲).

زناده از دیگر گروه‌های مخرب و تأثیرگذار در این دوره‌اند. کفر، ارتداد، تأویل-گرایی، عدم اعتقاد به خالق یکتا و معاد، دوگانه‌پرستی، تظاهر، دهری‌گری و زهد تشکیل دهنده نظام فکری ایشان است (ر.ک؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۲۱۳). امام با افراد این گروه به مناظره می‌نشست و با استدلال و براهین مستند به قرآن و سنت ایشان را راهنمایی می‌کرد (ر.ک؛ همان: ۲۵۱).

اما دو جریان فکری بسیار خطرناکی که در آن زمان، درون تفکر شیعی شکل گرفت؛ جریان غالی‌گری و دیگری جریان بت‌ریه است. در حکومت امویان، برخی از مردم تحت تأثیر تبلیغات حاکمان، از خاندان پیامبر فاصله گرفته و به لعن و ناسزا به آنان پرداختند. در مقابل گروه دیگری در مبارزه و دفاع از جایگاه اهل بیت (ع) تا آنجا افراط کردند که از

طرف دیگر بام افتاده و مورد سرزنش امامان قرار گرفتند (ر.ک؛ کشی، ۱۴۰۹: ۳۰۳). غلات تا جایی پیش رفتند که دست به جعل احادیث زدند. از جمله سردمداران این حرکت مغیره بن سعید و ابوالخطاب هستند؛ که امام صادق (ع) همواره آن‌ها را لعن کرده و به شیعیان در مورد آن‌ها هشدار داده‌اند (ر.ک؛ کشی، ۱۴۰۹: ۲۲۴). از اقدامات امام در برابر این گروه، علاوه بر نفرین و تکفیر، معرفی آنان به شیعیان، هشدار به عدم رابطه با آنان، و نفی اندیشه‌های نادرست این گروه بوده است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۶). اما بتدریج در مقابل این جریان قرار داشت. آنان گروهی بودند که در برابر افراط غلات در جایگاه امامان، تفریط و کوتاهی کرده و با توجه به مشکلات سیاسی و اجتماعی جامعه شیعه مسأله امامت حضرت علی (ع) را به عنوان نخستین امام شیعه جدی نگرفتند (ر.ک؛ نوبختی، ۱۴۰۴: ۲۰). در بررسی‌های انجام شده، گویا اینقدر که امام به مبارزه با غلات پرداختند در مقابل این گروه اقدامات کمتری کرده‌اند.

۲-۱-۳. جریان‌های فقهی زمان امام صادق (ع)

در زمان امام صادق (ع) دو جریان بزرگ فقهی رأی‌گرا و نص‌گرا پدید آمده بود. از ویژگی‌های جریان رأی‌گرا می‌توان به کثرت فروع و کمی نقل حدیث از ایشان اشاره کرد. زیرا با شرایط سختی که آنان برای پذیرفتن حدیث قرار می‌دادند کمتر حدیثی مورد استفاده آنان قرار می‌گرفت. انکار و تردیدهای آنان نسبت به روایات، چنان شدت گرفت که به افراطی‌گری در این شیوه پرداختند (ر.ک؛ پاکتچی، ۱۳۶۷: ۹، ۱۲۷). رأی‌گرایان به رأی و قیاس افراطی و تن زدن از روایات به سبب سختی اعتماد به آنها پرداختند. ابوحنیفه از پیشتازان رأی و قیاس و از بزرگ‌ترین عالمان هم‌عصر امام صادق (ع) در کوفه بوده است (ر.ک؛ پاکتچی، ابوحنیفه، ۳۸۰). درباره گرایش به رأی‌گرایی، علل مختلفی در روایات امامان ذکر شده است؛ از جمله دوری از منبع علم اهل بیت، چرا که برخی از اهل سنت مانند حنفی‌ها با فقدان روایات مورد نیاز در بیان مسائل فقهی، به سمت رأی و قیاس گرایش پیدا کردند (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۲۴۱).

البته با همین تعداد اندک حدیث در میان اهل سنت، عده‌ای هم مانند مکتب مالکی و حنبلی، حدیث‌گرا بودند.

امام صادق(ع) در مقابل جریان رأی و قیاس موضع مخالف گرفته و بیشترین فعالیت‌های خود را به مخالفت با آن اختصاص دادند؛ به طوری که روایات متعددی در زمینه محکوم کردن رأی و قیاس از آن حضرت نقل شده است (ر.ک؛ کشی، ۱۴۰۹: ۱۷۰). در بسیاری از روایات، امام صادق، مثال‌هایی از احکام فقهی بیان می‌کرد؛ که به یقین خلاف مقتضای قیاس بودند. امام نخست حکم مسأله را از شخص سؤال می‌کردند و وقتی او حکم را می‌پذیرفت، امام ناسازگاری آن حکم را با مدلول قیاس، یادآور می‌شدند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲، ۲۸۷).

به عنوان مثال روش ابوحنیفه به عنوان یکی از سردمداران رأی‌گرایی، قیاس و استحسان برای کشف مصلحت احکام در زمانی است که شک حاصل می‌شود؛ اما امام معتقدند یقین را هرگز نباید با شک نقض کرد؛ و هر جا شک کردیم باید به جای پیروی از ظنون به آخرین امر یقینی رجوع کنیم (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳، ۳۵۲). به طور مثال زمانی که شخص یقین داشته که وضو گرفته اما اکنون تردید کرده که وضو باطل شده است یا نه، حکم به آخرین باور یقینی که همان صحّت وضو است برمی‌گردد.

در واقع امام و ابوحنیفه هر دو به نوعی از کاربرد عقل و رأی معتقدند با این تفاوت که ابوحنیفه رأی خود را بر پایه استقرای منطقی و استخراج حکم کلی بر پایه موارد جزئی استوار می‌کند؛ اما روش امام، تکیه بر قیاس منطقی و استخراج حکم یک مورد، بر پایه احکام کلی دیگر است.

اما اولین جریان عام فکری در اسلام جریان نص‌گرایی است. نص‌گرایی در مقابل عقل‌گرایی قرار دارد. نص‌گراها همان اصحاب حدیث هستند که در روش خود به احادیث و پیروی از آن اعتنای بیشتری داشتند (ر.ک؛ پاکتچی، ۱۳۶۷: ۹، ۱۱۳). اثرگرایی افراطی و رواج گسترده نقل حدیث بدون هیچ ضابطه مستحکمی، از ویژگی‌های این گروه بود (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۴، ۱۱۳). از جمله شیوه‌های این گروه مقدم داشتن

حدیث بر قرآن و نگاه کردن به قرآن، به عنوان منبع درجه دوم است (ر.ک؛ احمدامین، ۱۹۶۴: ۲۴۴). از سردمداران این گروه مالک بن انس، پیشوای مالکیان بود که خود این حرکت را با تدوین مجموعه حدیثی آغاز کرد.

امام نه شیوه نادرست رأی‌گرایی را می‌پسندیدند و نه روش سنت‌گرایی اصحاب حدیث را؛ ایشان به فهم و درایت حدیث توجه زیادی داشتند. ایشان همواره تأکید می‌کردند که حدیثی که انسان بفهمد و روایت کند بهتر از احادیثی است که بدون فهم، فقط راوی آن باشد (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲، ۲۰۸). امام با ارج نهادن به جایگاه قرآن، همواره شیعه را به پالایش احادیث از راه عرضه بر قرآن دعوت می‌کردند (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۷۱).

۲-۲. منابع حدیثی امام صادق (ع)

منابع حدیثی امام صادق (ع) متعدّد است. از جمله: کتاب «موسوعه الکلمه» از حسینی شیرازی که جلد ۱۱ کتاب، اختصاص به احادیث امام صادق (ع) دارد. کتاب «موسوعه الامام الصادق» از محمد کاظم قزوینی که تاکنون ۱۵ جلد آن، پیرامون احادیث امام صادق (ع) چاپ شده است. «مسند امام صادق (ع)» از عزیز الله عطاردی، که کلیه احادیث امام صادق (ع) را در ۲۲ جلد با چینش مناسب‌تری گردآوری کرده است. به همین دلیل در این پژوهش، به عنوان منبع اصلی احادیث امام، برگزیده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. مسند امام صادق (ع) شامل ۲۲ جلد است. بخشی از جلد اول این کتاب شامل احادیثی است که از خود امام نبوده، بلکه درباره امام گفته شده است؛ از جمله: باب تلاوت، اسماء و القاب و نقش خاتم، اصل امامت ایشان، خصائص و عادت‌ها، شهادت ایشان و برخی از ماجراها و برخوردهای زمان ایشان با برخی افراد، مانند: منصور، ابوحنیفه و غیره و مطالبی درباره خانواده و اولاد ایشان است؛ که مجموعاً بالغ بر ۱۰۰۰ حدیث در این باب می‌باشد. عطاردی پس از آن تا ششمین جلد این مسند، روایات امام را همانند کتاب کافی کلینی در موضوعاتی چون علم، توحید، نبوت، امامت و مانند آن، دسته‌بندی کرده و در

جلد ششم با عنوان کتاب تفسیر، احادیث آن حضرت در فضیلت قرآن کریم و عمل به آن، ناسخ و منسوخ، تفسیر به رأی و مانند آن را گرد آورده‌است. پس از آن روایات امام، در تفسیر آیات قرآن کریم به ترتیب سوره‌های قرآن ذکر شده که تمامی جلد هفت و یکصد صفحه از جلد هشتم را نیز در بر گرفته است.

ادامه جلد هشتم و بخش عمده‌ای از جلد نهم به دعا‌های امام با موضوعات مختلف تعلق دارد. روایات فقهی آن حضرت بخش اعظم کتاب را فراگرفته؛ به طوری که از یکصد صفحه آخر جلد نهم آغاز و تا نیمه جلد بیستم ادامه یافته‌است. در باب «غور و درر و نوادر» نیز ۴۱۵ خبر با موضوعات مختلف و گاه نادر جمع شده و جلد ۲۲ کتاب، به‌طور کامل به روایان احادیث امام، اختصاص دارد؛ که ۲۱۴۴ راوی را در بر دارد. بررسی‌ها نشان داد که مؤلف اگر در کتب رجال درباره راوی مطلبی یافته، ذکر کرده و اگر به نام او اشاره نشده، تذکر داده و سپس به مکان ذکر نام این راوی در کتاب حاضر اشاره نموده است.

۲-۳. گونه‌شناسی روایات امام صادق(ع)

گونه‌شناسی (typology) دانش مطالعه گونه‌ها و انواع موجود در یک دانش است. گونه-شناسی از اهمیت بسیاری در بسط و توسعه دانش در حوزه‌های مختلف علمی برخوردار است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۷). بر این اساس گونه‌شناسی در روایات، شامل بررسی انواع روایات بر اساس معیارهای مختلف، اعم از ویژگی‌های ظاهری و محتوایی و همچنین بررسی شاخصه کمی و کیفی در آنان است.

گونه‌شناسی احادیث، گامی در جهت فهم بهتر و سریع‌تر از معارف امامان معصوم(ع) است؛ زیرا ممکن است در احادیث هر امامی از جمله امام صادق(ع)، گونه‌هایی باشد که در احادیث سایر امامان یافت نگردد؛ یا میزان بسامد آن در احادیث سایر امامان، متفاوت باشد. بنابر اعتقاد شیعه، سخن امامان در راستای یکدیگر و خالی از هر گونه تناقض و اختلاف است؛ لذا اختلافات در کمیت و کیفیت احادیث امامان، به شرایط و مقتضیات

زمان هر امام برمی گردد؛ زیرا آنان محتوایی واحد را بنا بر مقتضای زمان خود در ساختارهای گوناگون ارائه می دادند. به طور مثال امام علی (ع) که در مسند حکومت قرار گرفتند بیشترین خطبه و امام سجاد (ع) که در دوران خفقان شیعه زیستند بیشترین هدایت و روشنگری را در قالب دعا بیان کردند.

بر این اساس گونه شناسی به دو روش صورت می گیرد:

۲-۳-۱. گونه شناسی ظاهری

امامان به طور طبیعی، معارف خود را در ساختارهای مختلفی ارائه کرده اند. منظور از ساختار در این پژوهش، نوع بیان معارف در قالب های متفاوت است. در این گونه شناسی، شکل و قالب ظاهری احادیث امام، مورد بررسی قرار گرفته است. شکل ظاهری احادیث امامان اولین بار توسط سیدرضی در جمع آوری سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه، مورد توجه قرار گرفت. سیدرضی سخنان و آثار به جا مانده از امام علی (ع) را در سه فصل خطبه، نامه و حکمت جمع آوری کرده است.

در پژوهش حاضر آنچه در بررسی و تحلیل گونه های ظاهری احادیث امام صادق (ع) به چشم آمده، عبارت از نامه ها، ادعیه و زیارات، احتجاجات، حکمت ها، و قصص نقل شده از جانب امام است. یادآوری می گردد شمار فراوانی از روایات امام علی (ع) در نهج البلاغه در ساختار خطبه است؛ لیکن در بررسی مسند امام صادق (ع)، روایتی در قالب خطبه یافت نشد و شاید این به این دلیل بوده که ایشان حاکم جامعه اسلامی نبوده و در طول دوران امامت خویش کمتر سخنرانی عمومی داشته اند.

از سویی نقل دعا و زیارت از امام صادق (ع) در روایات ایشان به وفور وارد گردیده؛ تا جایی که عطاردی در مسانید مربوط به امام صادق (ع)، باب جداگانه ای به آن اختصاص داده و انواع ادعیه و زیارات امام را دسته بندی نموده است. براین اساس حدود ۱۵۰۰ دعا و زیارت، با مضامین مختلف، از امام نقل شده؛ از جمله دعای شکر، مرض، حوائج، خوف، نسیان، غضب و غیره؛ همچنین ادعیه مربوط به روزهای خاص، مانند: عید فطر و روز

عاشورا. علاوه بر آن در خلال بحث‌های فقهی و عقاید و اخلاق نیز دعاهایی به چشم می‌خورد برای نمونه در باب اطعمه در ذیل مباحث فقهی، دعای هنگام غذا خوردن و در کتاب اولاد، ضمن مباحث فقهی و اخلاقی ۱۰ دعا در حق فرزندان، از امام نقل شده- است (ر.ک؛ عطاردی، ۱۳۸۶: ۱۷، ۲۴۰؛ ۱۶، ۴۸۹).

نامه‌ها نیز از دیگر منقولات امام است. از آن جمله، نامه ویژه امام به شیعیان، که امام از آنان خواسته تا همگی در منازل خود داشته و در فقرات آن تأمل کنند (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۹۸). از دیگر نامه‌های امام، نامه به یکی از والیان حکومت است. این نامه قطعاً می‌تواند الگو و سرلوحه کار دولت مردان هر حکومتی در هر برهه‌ای از زمان باشد. این نامه به عبدالله نجاشی از دستداران و پیروان امام صادق (ع) است. او در عصر خلافت عباسی، به استناداری اهواز منصوب شده و از امام، راهنمایی و نصیحت می‌طلبد و امام در پاسخ به درخواست او این نامه را به او می‌نویسند (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۳: ۲۷۴).

از گونه‌های دیگر روایات امام حکمت‌ها و عبارات کوتاه و درس آموز است؛ که اغلب در زمینه‌های اخلاقی و با هدف تربیتی صادر شده است. حکمت‌ها، روایاتی است که معارف بلند و پرمایه‌ای را در قالب الفاظ کوتاه و مختصر بیان می‌کند و اغلب مخاطبان آن، عموم افراد جامعه‌اند؛ مانند روایت: بهترین آسودگی بی‌توقعی از مردم است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۸، ۲۴۳). خوش‌خویی جلب‌کننده دوستی است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۲۷). از کمک‌های خداوند بر ضد دروغ‌گویان فراموشی است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۳۴۱).

بیان داستان از زبان امام، گونه‌ای دیگر از روایات ایشان را شامل می‌گردد. داستان‌های منتسب به امام، همان بازگویی و نقل مطالب تاریخی نقل شده در قرآن است. امام در بیان نکات پندآموز به مخاطبان خود از داستان‌های قرآنی بهره گرفته و به بیان زوایایی از داستان‌ها پرداخته که در قرآن یا ذکر نشده و یا به صورت ایجاز به آن اشاره شده است. داستان پیامبرانی مانند: آدم، ادریس، نوح، هود، ابراهیم، لوط، صالح و غیره و شخصیت‌هایی مانند: اصحاب کهف، لقمان، ذوالقرنین، و سرگذشت اقوامی مانند بنی اسرائیل.

احتجاجات امام، در کتاب عطاردی نیز باب جداگانه‌ای را به خود اختصاص داده- است. وی در این مسند به ذکر ۳۲ مورد از احتجاجات امام، بسنده نموده ولی با توجه به نکات پیش گفته، مناظره از راهبردهای ویژه امام بوده و با توجه به ظهور فرق متعدد کلامی و فقهی، امام نسبت به مناظره، اهتمام ویژه داشته‌اند. البته شرایط نقل احتجاج و مناظره با صدور یک روایت ساده، متفاوت است. احتجاج عمدتاً یک گفتگوی طولانی است که در یک مراسم خاص صورت گرفته و ممکن است دشواری‌هایی در نقل و ثبت آن وجود داشته باشد؛ لذا ۳۲ احتجاج نقل شده از امام را نباید با روایات کوتاه نقل شده از ایشان مقایسه کرد. احتجاجات امام در این کتاب بر اساس نام شخص یا گروه مخاطب، ذکر شده؛ برای نمونه: احتجاج امام با ابن ابی العوجاء، ابوحنیفه، سفیان سوری، ابن ابی- لیلی و احتجاج با گروه‌هایی مانند زنادقه و معتزله را می‌توان از این دست برشمرد.



۲-۳-۲. گونه‌شناسی محتوایی

معارف اسلامی شامل سه بخش عقاید، اخلاق، احکام است. عقاید همان باورهای بنیادین فکری، یعنی مسائل و معارفی است که باید آنها را شناخت و بدان‌ها ایمان آورد؛ مانند: توحید، که اساسی‌ترین آن‌ها است. اخلاق نیز توصیه‌ها و دستوراتی درباره چگونگی بودن

انسان از نظر صفات روحی و خصلت‌های معنوی است؛ مانند: دادگری و راست‌گویی و امانت‌داری و حیا و مهربانی گشاده‌رویی شجاعت عفت و غیره.

فقه، همان فرامین عملی و عبادی، شامل کارهایی است که مکلف باید انجام دهد. این فرامین عملی، آداب، مناسک و عبادات را در بر می‌گیرد؛ مانند: نماز، روزه، حج، جهاد، نکاح، طلاق و غیره. پس به طور کلی عقاید مربوط به عقل و اندیشه، اخلاق مربوط به خلق و خوی انسان و فقه مربوط به عمل و کار انسان است.

در پژوهش حاضر، احادیث امام صادق(ع)، در همین سه حوزه، دسته‌بندی شده و گونه‌هایی از احادیث امام، که در ظاهر در هیچ کدام از این دسته‌ها جای نگیرد؛ در بخش جداگانه‌ای قرار گرفته‌است. همچنین برخی از روایات، ذیل چند عنوان قرار گرفته و از زوایای مختلف، قابل تحلیل و بررسی است؛ برای نمونه: برخی از احادیث نماز، هم در روایات فقهی و هم در روایات اعتقادی قرار گرفته؛ که دو راهکار وجود دارد؛ اول این- که روایت، تقطیع شده و هر بخش آن را در گروه مخصوص خود قرار گیرد؛ دوم اینکه در هر روایت وجه غالب آن در نظر گرفته شده که بیشتر به چه گروهی گرایش دارد. در این پژوهش در برخورد با این روایات وجه غالب آن در نظر گرفته شده و در گروه متناسب جای گرفته‌است.

۲-۳-۲-۱. گونه‌شناسی محتوایی احادیث امام صادق(ع)

گونه‌شناسی محتوایی احادیث امام، در پژوهش حاضر در سه حوزه عقاید، اخلاق و احکام و موارد متفرقه قابل بررسی است. ولی در این پژوهش با توجه به کثرت روایات در حوزه احکام و سپس عقاید و اخلاق، همین ترتیب رعایت گردیده‌است.

۲-۳-۲-۱-۱. احادیث امام در حوزه احکام

مجموع احادیث فقهی منقول از امام صادق در کتاب مسندالامام الصادق بالغ بر ۱۵۸۹۷ حدیث پیرامون احکام و مسائل عملی است؛ از مجموع این احادیث، بیشترین حدیث، به

حج اختصاص دارد؛ که درباره آن ۲۹۹۹ حدیث از امام نقل شده؛ که از آداب و معاشرت در حج، آغاز و به نحوه اعمال و مناسک پایان می‌پذیرد.

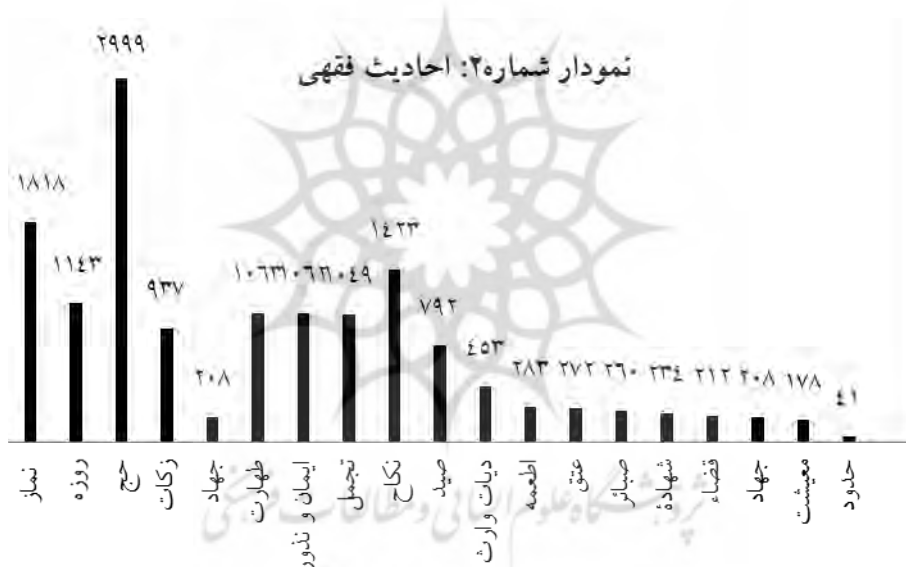
کثرت احادیث امام، درباره حج، نشان از اهمیت آن در دوران امام صادق (ع) دارد. سیره امام در حج، معیار و الگویی سازنده از حج، نزد مسلمانان به شمار می‌رود. پراکندگی مسلمانان با گرایش‌های گوناگون، در بلاد مختلف و همچنین نبود ابزارهای ارتباطی میان مسلمانان، لزوم دیدار حضوری را برای تبادل افکار و اعتقادات پررنگ‌تر کرده و موسم حج زمان مناسبی برای ارائه دیدگاه‌های مختلف دینی بوده‌است؛ چراکه حج به عنوان نقطه تلاقی کلیه مسلمانان و از مظاهر قدرت آنان به شمار می‌رود.

اهتمام امام در این خصوص، در حوزه‌های مختلف قابل بررسی است؛ از جمله مناظرات ایشان که حج را کنگره‌ای عظیم و بستری مناسب برای گفتگو و مناظره با همه اقوام و ادیان می‌دانست و از این زمینه برای ارشاد همگان استفاده می‌کرد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۷۲). پرداختن به نیازهای برادران دینی از دستوره‌های اکید امام است. این فرمان در سفر حج اهمیت بیشتری می‌یابد. همچنین سیره امام صادق (ع) و همه امامان معصوم، بر حفظ حرمت «مسجد الحرام» و اولویت بخشیدن به آن بوده است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۲۶).

از آنجا که این آیین از طولانی‌ترین و پرپیچ و خم‌ترین مناسک شرعی اسلام است؛ پرداختن امام به مسائل آن از جزئی‌ترین به کلی‌ترین را می‌توان موجب کثرت روایات در این زمینه به شمار آورد. امام به مسائل حج، هم به کلیات و اهداف بلند آن و هم به احکام و شرایع ریز و درشت آن پرداخته و جزء به جزء مناسک حج را برحسب ضرورت و نیاز مسلمانان بیان کرده‌اند. مسائل متعددی در زمینه حج مطرح است؛ که از فضایل حج و عمره آغاز، سپس به نقل تاریخی حج توسط حضرت آدم، ابراهیم، اسماعیل، حضرت محمد (ص) و در نهایت به شرح احکام شرعی، پیرامون مراحل مختلف این آیین پرداخته شده‌است. بیشترین روایت ذیل باب «صید و ذبح در حالت احرام» می‌باشد؛ که قطعا از مسائل کاربردی در آن زمان بوده‌است.

اهمیت اجتماعی و سیاسی حج با وجود گستردگی و پراکندگی مسلمانان با عقاید مختلف از یک طرف و تنوع مسائل و مناسک آن از طرف دیگر و اختلافاتی که در آن پیش آمده؛ همه دست به هم داده تا حج بیشترین حدیث را در زمینه فقهی به خود اختصاص دهد.

پس از حج، آمار احادیث فقهی امام به ترتیب کمیت، اختصاص به مسائلی از جمله: نماز، نکاح، اشربه، روزه، ایمان و ندور، زکات، طهارت، تجمل، صید، دیات و ارث، اطعمه، تعمق، جناز، معیشت، شهاده، قضاء، جهاد و سایر موضوعات دارد.



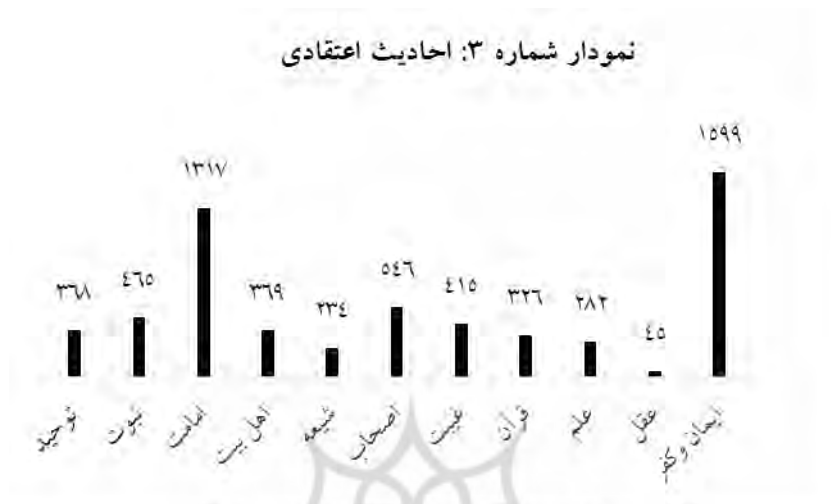
۲-۳-۲-۱-۲. احادیث امام در حوزه عقاید

احادیث امام صادق (ع) در حوزه عقاید، بالغ بر ۵۹۶۶ حدیث است؛ که بیشتر، اختصاص به موضوعات ایمان و کفر و پس از آن، امامت دارد. باب ایمان و کفر شامل موضوعات گوناگونی از جمله درجات ایمان، ایمان و اسلام، فضل ایمان و یقین، اخلاص، حب فی-الله، حسن ظن بالله، علامات مؤمن، ارکان کفر و غیره است.

شرایط ویژه زمانی امام و کثرت عقاید و اندیشه‌های رایج در جامعه باعث گردیده تا ایشان اهتمام ویژه‌ای به ارائه اندیشه‌های کلامی خود نموده که غالباً به شکل مناظره و پرسش و پاسخ، صورت گرفته است. مسلمانان و حتی شیعیان در بلاد مختلفی می‌زیستند و عدم دسترسی به امام و حضور در جلسات مختلف و گاهی اهل سنت، موجب گرایش آنان به فرق مختلف و اختلاط اندیشه‌های ناب اسلامی به انواع انحرافات می‌شد. برخی مانند مرجئه ایمان را به باور قلبی منحصر کرده و لزومی به ابراز آن در عمل نمی‌دیدند؛ برخی نیز مانند جبریه و قدریه در اختصاص جبر و تفویض میان بنده و پروردگار افراط و تفریط می‌کردند. موارد بسیاری از این دست موجب تلاش شبانه‌روزی امام و یارانشان در تفهیم اندیشه‌های ناب اسلامی به مردم می‌شد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶، ۴۷).

برآیندی از مجموع احادیث اعتقادی امام، نشان از آن دارد که موجی از مفهوم‌سازی در آن عصر بوجود آمده بود. شخص حضرت در تدقیق و تعریف این مفاهیم، نقشی مهم ایفا کرده است. با وجود آنکه محیط مدینه از این گونه مباحث فاصله‌ای بسیار داشت، اما ارتباط امام با اندیشمندان سرزمین‌های مختلف در موسم حج و در مجلس درس و بحث از طیف‌های مختلف مذهبی، حتی از اهل زندقه و دهریه، چنین زمینه و ضرورتی را برای مفهوم‌سازی در آموزه‌های اعتقادی حضرت فراهم آورده بود (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۷۲-۷۴).

یکی از مباحث پربسامد در آموزه‌های امام به عنوان نقطه اتصال آموزه توحید به دیگر مباحث، مسئله حجت خدا است؛ که در احادیث متعددی از حضرت بر این آموزه تأکید شده است. از این منظر هدایت و معرفت انسان خود به خود حاصل نمی‌گردد؛ بلکه بر خداست که انسان را هدایت کند و توفیق کسب معرفت را برای او فراهم آورد و بر انسان است که این موهبت را بپذیرد و از آن تن‌نزد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۱۶۲-۱۶۷). وجود اندیشه غالی‌گری و افراط، نیز از جمله مسائلی بوده که در زمان امام صادق (ع) به اوج خود رسید و امام بیش از هر چیز به مبارزه با گروه غالیان برخاسته و در مواجهه با آنها گریزی جز تبیین جایگاه واقعی امام، در میان مردم ندارد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۴۱۸).

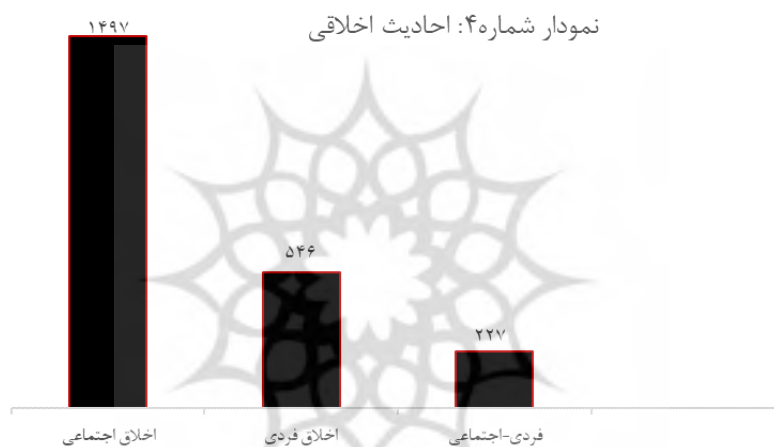


۲-۳-۱-۲-۳. احادیث امام در حوزه اخلاق

احادیث امام در حوزه اخلاق ۲۰۴۳ حدیث است. از آنجا که امامان به عنوان پیشوا و الگوی بشر در سازندگی رفتار و خلق و خوی نمونه گام برمی‌دارند؛ در آموزه‌های امام، موضوع اخلاق از عقاید و احکام جدا نبوده و این دو کاملاً در هم تنیده‌اند. همان‌گونه که در سخن از دیدگاه حضرت در خصوص ایمان و رجاء گفته شد، امام صادق(ع) به ارتباطی وثیق، میان ایمان و عمل قائل بوده‌است و رابطه عمل و اخلاق با عقاید در آموزه‌های حضرت بسیار مورد توجه قرار گرفته است (ر.ک؛ پاکتچی، ۱۳۸۹، ۱۸: ۲۰۲).

در پژوهش حاضر احادیث امام صادق(ع) پیرامون اخلاق از لابه‌لای روایات فقهی و اخلاقی استخراج شده‌است. به منظور استفاده بهتر و کاربردی‌تر، این روایات در دو حوزه اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی جای گرفته و چون برخی از آموزه‌های اخلاقی امام به هر دو سمت فردی و اجتماعی گرایش داشتند؛ بخشی نیز با عنوان فردی - اجتماعی در نظر گرفته شده‌است. مراد از اخلاق اجتماعی در این پژوهش دستوراتی است که در روابط متقابل مسلمانان در جامعه کاربردی بوده و مراد از اخلاق فردی کاربرد دستورات در زندگی شخصی یک مسلمان است.

روایات امام صادق(ع) در حوزه اخلاق اجتماعی، بالغ بر ۱۴۹۷ حدیث و در حوزه اخلاق فردی، بالغ بر ۵۴۶ حدیث و در طبقه فردی-اجتماعی ۲۲۷ حدیث است. این که در حوزه اجتماع شمار دستورات اخلاقی در روابط متقابل بیشتر است؛ حاکی از اهمیت جایگاه مسلمانان در این حوزه، از منظر امام است؛ زیرا یک انسان، در حوزه روابط متقابل اثرگذاری و اثرپذیری بیشتری دارد و آنجاست که کوچکترین رفتار هر انسان در روند حرکت اجتماع اثرگذار است؛ هر چند که سازندگی اجتماع در گرو سازندگی فردی است.



نتیجه‌گیری

طبق آمار ارائه شده از روایات، در کتاب مسند الامام الصادق، بیشترین حدیث نقل شده از امام، با اختلاف چشم‌گیری نسبت به سایر احادیث، به مسائل فقهی اختصاص دارد؛ که پس از تحلیل و بررسی مقتضیات حاکم بر دوران زندگی امام، آشکار می‌گردد که در آن دوران، استنباط‌های فقهی و استفاده از راهکارهای متنوع در ارائه احکام عملی اسلام، به شدت رواج یافته و با گذر زمان مسلمانان با مسائل و مشکلاتی روبرو می‌شدند که تا آن زمان مطرح نشده و به نظرشان راهکاری برای آن در قرآن و سنت وجود نداشت و همین مسأله، عالمان دینی را ترغیب کرده تا درصدد حل مسائلی برآیند که مردم آن زمان درگیر آن شده و پاسخ آن را نزد عالمان دینی جستجو می‌کردند. در پی این تلاش و تکاپو، عالمان اسلامی هر کدام به سمتی گرایش پیدا کرده؛ برخی به سمت روایات و سنت و استفاده از نقل حدیث بی‌هیچ ضابطه مستحکمی، متمایل و در مقابل، گروهی بودند که در سختی اعتماد به روایات، افراط کرده و رأی‌گرایی بی‌ضابطه را شیوه کار خود قرار دادند. در چنین فضایی، هر کس شیوه خاص خود را ارائه می‌داد و هیچ وحدت روشی در میان مسلمانان، وجود نداشت. در مقابل، گروه‌های اعتقادی از جمله مرجئه، نیز در اهتمام امام به مسائل فقهی اثرگذار بودند. مرجئه، ایمان به خدا را اصل و کافی دانسته و عمل به احکام را ضروری نمی‌دانستند. بر همین اساس امام صادق(ع)، فعالیت‌های چشمگیری در زمینه باروری فقه شیعی و زدودن آن از انحرافات فکری ناشی از افراط و تفریط را دنبال می‌کردند. در همین دوران، فقه، رویکرد نظام یافته‌ای پیدا کرده و دو رویکرد عقل‌گرا و نقل‌گرا نیز وارد این عرصه شده بود؛ که امام صادق(ع) در مقابل این دو گروه، روش تحلیلی خاص خود را ارائه دادند. آنچه از مطالعه روش فقهی امام، استنباط می‌شود این است که در نظام فقهی امام، فهم عقلی و نقل در راستای یکدیگر حرکت کرده و هیچ‌یک دیگری را نقض نمی‌کند. امام اگر چه با اجتهاد بی‌ضابطه، مخالف بوده لیکن هرگز از نقش عقل در استخراج مسائل فقهی غافل نشده و حتی در گزینش نقل، بسیار از آن استفاده نمودند.

بر اساس این پژوهش، کثرت احادیث امام صادق (ع) را می‌توان بسته به عوامل خاصی از جمله حضور در حد فاصل حاکمیت امویان و عباسیان، آشفستگی‌های اجتماعی، گرایش مردم به علم‌آموزی، حذف‌های زمانی از صدر اسلام و شکل‌گیری مسائل جدیدی که مردم پاسخ آن را نزد امام می‌جستند دانست؛ که اینها همه از عواملی است که در رونق احادیث ایشان تأثیر گذار بوده؛ تا آن جا که بالغ بر ۳۰۱۰۱ حدیث از ایشان، در مسانید مذکور نقل شده‌است.

منابع

- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۱). *مهج الدعوات و منهج العبادات*. ابوطالب کرمانی. قم: دارالذخائر.
- احمد، امین. (۱۹۶۴). *فجر الاسلام*. قاهره: مکتبه النهضه المصریه.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۶۷). «*ابوحنیفه*». *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. تهران: انتشارات مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۸۹). «*جعفر صادق (ع)، امام*». *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. تهران: انتشارات مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- پیشوایی، مهدی. (۱۳۸۰). *سیره پیشوایان*. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۱). *حیات فکری و سیاسی ائمه*. قم: نشر انصاریان.
- حیدر، اسد. (۱۴۲۲). *الامام الصادق و المذاهب الاربعه*. بیروت: دارالتعارف.
- ذهبی، شمس‌الدین. (۱۴۰۶). *سیر اعلام النبلاء*. بیروت: موسسه الرساله.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- سجادی، سید ضیاء‌الدین. (۱۳۷۲). *مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف*. قم: نهر شهرستانی.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۶۴). *الملل و النحل*. قم: الشریف الرضی.
- شهید ثانی، زین‌الدین ابن علی. (۱۳۶۸). *منیه المرید فی ادب المفید و المستفید*. رضا مختاری. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

صدوق، (ابن بابویه)، محمد بن علی. (۱۴۱۳). **الاعتقادات**. چاپ دوم، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

عطاردی، عزیز الله. (۱۳۸۶). **مسند الامام جعفر بن محمد الصادق (ع)**. تهران: نشر عطارد.
کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹). **اختیار معرفه الرجال**. حسن مصطفوی، مشهد: موسسه نشر دانشگاه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). **الکافی**. علی اکبر غفاری. تهران: اسلامیه.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹). **اصول الکافی**. سید جواد مصطفوی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). **الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مازندرانی، محمد صالح بن احمد. (۱۳۷۹ق.). **شرح الکافی - الاصول و الروضه**. ابوالحسن شعرانی. تهران: المکتبه الاسلامیه.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). **بحار الانوار**. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۴۹). **التنبیه و الاشراف**. ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ الف.). **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**. قم: کنگره شیخ مفید،

نوبختی، حسن بن موسی. (۱۴۰۴). **فرق الشیعه**. بیروت: دارالاضواء.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۵۶). **تاریخ یعقوبی**. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.